

آینه

جمهوری اسلامی

زیر پوست جامعه چه می گذرد؟

● کسانی که بعد از دو دوره حاکمیت بر کشور حالا ژست اپوزیسیونی می‌گیرند و خواستار عزل رئیس قوه‌قضائیه و برگزاری انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری بدون‌دخالش شورای نگهبان می‌شوند، آیا صرفا از هوس‌های سیاسی خودشان حرف می‌زنند یا از چیزی خبر دارند و شرایط جامعه را برای مطرح‌کردن چنین مطالباتی مساعد می‌بینند؟ آیا آنها چیزهایی می‌دانند که دیگران نمی‌دانند؟ آنها اگر درست می‌گویند چرا به خواسته‌هایشان عمل نمی‌شود؟ اگر خلاف می‌گویند چرا با آنها برخورد نمی‌شود؟ مردم می‌پرستند حاکمیتی که حتی یک‌دهم این مطالب را از دیگران تحمل نکرده چگونه اینها را که از خط قرمزها عبور کرده‌اند، تحمل می‌کند؟

مشارکت

چرا معترض هستیم؟

● **محمدرضا راژری در میزگرد همشهری:**
چقدر به ۵۰ سال آینده ایران فکر می‌کنیم و چقدر برایمان دغدغه است! به‌نظر من این خودش می‌تواند یک مقدار ما را به نگاه واقع‌بینانه هدایت کند... اگر کسی بخواهد به ۲۰۰، ۱۰۰ یا ۳۰۰ سال آینده ایران فکر کند، می‌ترسد. اصلا فارغ از اینکه ما انقلابی هستیم ضدانقلاب یا نه؛ به‌هر‌حال چه متدین و انقلابی و چه ضدانقلاب و بی‌دین باشیم در این کشور قرار است با هم زندگی کنیم.

اقتصاد

باید بگوییم با کدام مواضع دولت مخالفیم

● **در گفت وگو با عبداللّه رمضان‌زاده:**
کشور در‌حال‌حاضر به‌صورت جزیره‌ای اداره می‌شود، نه یک‌پارچه. اگر کشور به‌صورت یک‌پارچه اداره شود، مشکل امنیتی جدی نخواهیم داشت.. ما به‌طور جدی با مشکلات اقتصادی روبه‌رو هستیم... تا وقتی که سیاست خارجی خود را تعیین‌تکلیف

نکنیم با این مشکلات مواجه خواهیم بود... این امر نیازمند اجماع حاکمیتی است و فقط به دست دولت نیست. دولت صراحتا توانایی حل برخی از این مشکلات را دارد اما کوتاهی می‌کند؛ به این دلیل که آقای روحانی وزیرانی را انتخاب کرده که جسارت لازم برای اداره امور کشور را ندارند... یکی از نقاط ضعف دولت دوم حسن روحانی کم‌رنگ‌شدن نقش مدیریتی اسحاق جهانگیری است. جهانگیری با تجربه گرانمایی که در زمان نمایندگی مجلس، خدمت در جهاد سازندگی، استانداری و وزارت دارد بسیار فرد باتجربه‌ای برای اداره امور کشور است... باید بگوییم جریان اصلاحات گرفتار عملکرد دولت شده است. از روحانی حمایت کردیم که بر سرکار قرار گیرد و امروز نه‌تنها دولت به شعارهای خود پاسخ‌گو نیست بلکه به نظارت اصلاح‌طلبان نیز توجهی نمی‌کند. ما تاکنون از دولت حمایت کرده‌ایم اما از امروز باید به‌صورت واضح نشان دهیم که در کدام موضوعات دولت را قبول داریم و در کدام موضوعات عملکرد دولت را قبول نداریم، بدین‌صورت جریان اصلاحات تکلیف خود را با افکار عمومی و حامیان خود مشخص خواهد کرد... چند وقت پیش در مورد نظارت بر عملکرد شوراهای شهر حداقل در شهرهایی که اصلاح‌طلبان رای آوردند، پیشنهادی به آقای خامنه‌ای داشتم. ایشان هم تمایل داشتند اما دوستانی که انتخاب شده‌اند چندان مایل نیستند تحت‌نظارت یک نهاد مردمی بیرونی قرار بگیرند. این مشکل را به‌طور جدی داریم، وقتی احزابی وجود ندارد و از اشخاص حمایت می‌کنیم، این اشخاص در قبال کسانی که باعث رای‌آوری آنها شده‌اند، احساس مسئولیتی نمی‌کنند... برخی اشخاص صراحتا در دولت یا مجلس مخالف اصلاحات عمل می‌کنند. صراحتا هرجا می‌نشینند، می‌گویند با اصلاح‌طلبان کار نکنید. نتیجه این شیوه دوم این‌بود که از فاجعه ملی جلوگیری کرده‌ایم ولی آبروی خودمان رفته است، به ما می‌گویند شما از کسانی حمایت کردید که جهت‌گیری اصلاح‌طلبانه ندارند. امروز باید بنشینیم و دوباره فکر کنیم که آیا راه سومی هم وجود دارد یا نه. راه سومی که بتوانیم پایگاه مردمی‌مان را حفظ کنیم و هم از فاجعه‌های مثل احمدی‌نژاد جلوگیری کنیم که می‌توانست در انتخابات ۹۶ هم تکرار شود

اطلاعات

عدالت: گرایش یا دانش؟

● **رضا بابایی:**
نخست‌وزیر فقید هند می‌گفت: «برای رسیدن به مقصدی که تا کنون به آن نرسیده‌ایم، باید از راهی برویم که تا کنون نرفته‌ایم». یعنی وقتی راهی در پیش گرفتیم که ما را به مقصود نرساند، باید در درستی راه تردید کنیم، نه در درستی نیت‌ها و اراده‌ها. بدین رو در ارزیابی سیاست‌ها و سیاست‌مداران نباید از اهداف آنها پرسید؛ بلکه باید دانست که برای رسیدن به اهداف ادعایی، چه اندازه با روش‌ها و راه‌های رسیدن به آن اهداف، آشنایی و تجربه دارند. آنچه در هر جایی می‌توان یافت، عدالت‌خواهی است؛ اما آنچه گروهی اندک از آن برخوردارند، روش‌های علمی و مجرب برای رسیدن به آن هدف بزرگ و حیاتی است. پس می‌توان گفت که عدالت بیش از آنکه در گرو گرایش باشد، در بند دانش و روش است.

politics@sharghdaily.ir

سیاست

رئیس‌جمهوری:

علم به ایدئولوژی وصل نمی‌شود

این حرف نادرست است که ما به اساتید، پژوهشگران و جوانان خود همیشه مشکوک باشیم



عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری

علم برای سلطه‌گری، اسلامی نیست

رئیس‌جمهور با انتقاد از انجام برخی تقسیم‌بندی‌ها در علوم مختلف، عنوان کرد: «متأسفانه تقسیم‌بندی‌ها و تلاش‌هایی داشته‌ایم که موثر و مفید نبوده است. در این زمینه اینکه بگوییم علم شیمی از قرآن شروع شده یا این‌گونه نبوده، نه بر عظمت دین افزوده می‌شود و نه از آن کم می‌شود؛ چراکه دین گستره بلندی برای هدایت انسان در مسیر درست‌کاری دارد و همه علوم را تأکیدشان بر طب سنتی بود اما امروز دیگر این تفکر در

روحانی با تأکید بر اینکه علم زیاد و دانایی موجب قدرتمندترشدن می‌شود، گفت: «این تفکر که علم برای سلطه‌گری بر دیگران است و ما به دنبال علم و دانشی باشیم که دیگران را استثمار و استعمار کنیم و به آنها مسلط شویم و ایده یا فرهنگ خود را بر آنها تحميل کنیم از باب هدف، علمی اسلامی نیست، علم اسلامی علمی است که در خدمت انسان باشد و دارای اهدافی نظیر ساخت دنیا و روابط صحیح میان انسان و کمک

آینده

شرق: انتقاد از سومین نامه احمدی‌نژاد، با چهره‌های سیاسی شروع شد و دیروز به نهادهای بالاتر هم رسید. مجمع تشخیص مصلحت نظام و قوه‌قضائیه هم در مقام پاسخگویی برآمدند. علاوه بر آن علی مطهری هم با انتشار یادداشتی در ایسنا خطاب به احمدی‌نژاد گفته: «آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا»

نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به فرازهایی از نامه احمدی‌نژاد نوشته است چند نکته قابل‌ذکر است: «الف- برای محدودشدن اختیارات رهبری نیاز به تغییر قانون اساسی است که البته در نامه آقای احمدی‌نژاد هم به آن اشاره شده است. ب- اصلاح دفتر مقام رهبری – که ظاهرا مقصود آقای احمدی‌نژاد کوچک‌شدن آن است – مربوط به خود مقام‌رهبری و شورای نگهبان و دخالت نهادهای ج- درخواست برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس بدون‌مهندسی شورای‌نگهبان و دخالت نهادهای نظامی و امنیتی، مفهوم مخالف آن، این است که در انتخابات‌های اخیر، خصوصا در سال‌های ۸۴ و ۸۸ و آقای احمدی‌نژاد در متن قضایا بوده است، مهندسی شورای نگهبان و دخالت نهادهای نظامی و امنیتی وجود داشته است. سؤال این است که اگر چنین چیزی واقعیت دارد، چرا ایشان بعد از همان زمان این موضوع را اعلام نکردند؟ آیا اعلام امروز ایشان به معنی تهدید قوه‌قضائیه نیست که مثلا اگر بقبای و سایر دوستان را مجازات کنيد یا پرونده‌های خود من را به جریان بیندازید، حقایقی را افشا خواهم کرد تا قوه‌قضائیه منصرف شود؟ تدبیر- معترضانه مرجعی مستقل برای رسیدگی به شکایات مردم از قوه‌قضائیه نیز نیازمند تفسیر قانون اساسی است. هـ- درخواست آزادی زندانیان سیاسی و سخت‌گرفتن به منتقدان نیز چیزی است که بسیاری از مصلحان جامعه بارها اعلام کرده‌اند و البته آقای احمدی‌نژاد هم حق دارد آن را اعلام کند اما باید بداند که بسیاری از زندانیان سیاسی به خاطر حوادث سال ۸۸ و پس از آن زندانی شده‌اند؛ حوادثی که آقای احمدی‌نژاد سلسله‌چنبان آن بود. در مجموع به آقای احمدی‌نژاد باید گفت بسیاری از پیشنهادهای شما درست است اما بهتر آن بود که اینها را در زمان صدارت خود و لااقل قبل از بازداشت دوستانتان و مطرح‌شدن پرونده‌های خودتان می‌گفتید تا شائبه «کلمه می‌برد یار بها الباطل» در آذهان نداعی نشود و خلاصه به قول شاعر: آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا».

انتقاد رضایی

روز گذشته محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز با انتقاد از رفتارها و سخنانی که از سوی برخی مسئولان و چهره‌های سیاسی در فضای جامعه ابراز می‌شود، گفت: «متأسفانه برخی مواقع شاهد رفتارهایی خارج از چار‌چوب دین و قانون از

آینده

آینده

ادامه از صفحه اول

لبه پرتگاه و بازگشت؟

بخش میدانی این پروژه، تلاش جدی ایران به‌عنوان مهم‌ترین نیروی ثبات‌بخش در معادلات خاورمیانه برای حفظ مرزها، تداوم حاکمیت دولت‌های مشروع و مقابله با گروه‌های تروریستی بوده است. بخش نرم‌افزاری این پروژه نیز همان چیزی است که در قالب مذاکرات بین‌المللی و دیپلماسی عمومی وزارت خارجه برای پیداشدن زمینه‌های تفاهم منطقه‌ای در این سال‌ها دیده می‌شود. حضور وزیر خارجه ایران و سخنرانی شایسته او در نشست امنیتی مونیخ که فراز برجسته‌ای از همین بخش دوم به حساب می‌آید، قطعا امید جبهه فرامنطقه‌ای را برای افزایش تنش‌ها ناکام گذاشت. در مقابل شاخ‌وشانه‌کشیدن‌های ناتناها و عادل‌الجبر، تأکید ظریف بر آمادگی برای مذاکره با همه کشورهای منطقه، پایان‌یافته دانستن دوره ژئومونی منطقه‌ای، لزوم گسترش همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای و تأکید دوباره بر چارچوب پیشنهادی ایران برای شکل‌گرفتن گفت‌وگوهای امنیتی خاورمیانه و بیکری سیاست هوشمندانه، اصولی و ثبات‌بخش ایران به‌عنوان راه‌حلی نهایی برای معضل خاورمیانه است. عنوان نشست امنیتی مونیخ به شکل گویایی «لبه پرتگاه و بازگشت؟» انتخاب شده بود. در میان شخصیت‌های منطقه‌ای حاضر در مونیخ گروه عمده‌ای با ادامه روبه جنگ‌طلبانه و زیربن و پرکوس تهدید یا ارباب، عملا به دنبال سوق‌دادن منطقه به لبه پرتگاه بودند. در این‌ میان فقط وزیر خارجه ایران بود که راهی منطقی برای بازگشت پیشنه‌اد می‌داد. در شرایطی که اروپایی‌ها توان نقش‌آفرینی در معادلات منطقه را ندارند، آمریکایی‌ها دچار فرسایش توان و اراده و سردرگمی شده‌اند و روس‌ها نیز وجاحت کافی برای پرکردن خلا امنیتی منطقه را ندارند. زمانه برای یک معماری امنیتی جدید در منطقه خلیج فارس آماده است. به بیان رئیس دستگاه دیپلماسی ایران، «ما پیشنهاد ایجاد یک منطقه قدرتمند را داده‌ایم که در آن ملت‌های کوچک و بزرگ و حتی آتنی‌کی را قایت تاریخی با یکدیگر دارند، در برقراری ثبات مشارکت می‌کنند. این استراتژی منافع تمام کشورهای ذی‌نفع را دربر می‌گیرد که منجر به برقراری ثبات خواهد شد. درحالی‌که تمایلات ژئومونیک از سوی هر قدرت منطقه‌ای یا جهانی نتیجه‌ای جز ناامنی ندارد». با این اوصاف باید منتظر ماند و دید که کشورهای منطقه لبه پرتگاه را انتخاب خواهند کرد یا بازگشت را؟!

دغدغه شهرت با احساسات مردم

بررسی رفتار رسانه‌ها در حادثه سقوط هواپیمای تهران-یاسوج نشان می‌دهد وضعیت خبرنگاری بحران در ایران دست‌کم‌ی از فاجعه سقوط هواپیمای ندارد. علت نه دشمنی همکاران رسانه‌ای، بلکه ناکافی‌ت آنها از نبغات مستکین اطلاع‌رسانی است که این اطلاع‌رسانی و تشویش اجتماعی‌ای است که این اطلاع‌رسانی اشتباه به وجود می‌آورد. نظریه مسئولیت اجتماعی در ارتباطات، یادآور می‌شود که روزنامه‌نگاران وظیفه دارند اخبار و اطلاعات را در راستای حفظ اجتماع منتشر کنند. اخبار و اطلاعات باید دقیق، درست و متشاعرانه باشند. انتشار اخبار باید از انتشار اخبار دروغ جلوگیری شود و جلوی انتشار آزاد اطلاعات را گرفته نشود. بر اساس این نظریه، آنچه باید برای یک رسانه اهمیت داشته باشد، جامعه آن است؛ اما شلختگی و به‌هم‌ریختگی اخبار در حادثه اخیر، نشان داد رسانه‌های ایران چقدر از این نظریه فاصله دارند و متأسفانه برخی از روزنامه‌نگاران چه در رسانه تصویری و چه در رسانه‌های مکتوب، به‌جای اینکه ابتدا بر اساس اصل خبرنگاری بحران به بازگرداندن آرامش به افغانران بپردازند، سوالاتی را مطرح کردند که هرچند جواب داشت، اما در آن لحظات موضوعیت نداشت و فقط موجب تشویش بیشتر خانواده‌های داغدار که با یک ضربه روحی شدید روبه‌رو شده بودند، نسبت به کسانی می‌شد که جان در کف دست گرفته بودند تا جسد عزیزان این خانواده‌ها را از زیر برف بیرون بکشند. نمونه این تشویش و بحران‌زدگی را می‌شد در رفتار یکی از بازماندگان با وزیر راه حسین مواجه در منطقه حادثه مشاهده کرد (البته این فرد از خانواده‌های داغدار نبود و با مأموریتی خاص در آنجا حضور داشت که این می‌تواند تبعات برانگیختن احساسات مردم و بالطبع بهره‌برداری برخی از جریان‌ها به نفع امیال خویش را نشان دهد). بنابراین بر اساس نظریه مسئولیت اجتماعی و قوانین خبرنگاری بحران، اولین کاری که یک خبرنگار در مواقع بحران باید انجام دهد، اطلاع‌رسانی درست و به دور از غرض‌ورزی در راستای کمک‌کردن رنج آسیب‌دیدگان است نه کسب شهرت از اخبار کذب و نابجایی که فقط رنج مردم را بیشتر می‌کند. تصور کنید اگر خبرنگاران آمریکایی در ۱۱ سپتامبر خبرنگاری بحران بلد نبودند و مانند کاری که برخی خبرنگاران و حتی مجریان تلویزیون ازجمله آقای رشیدپور انجام دادند، عمل کرده و در اوج بحران سوالات ذهنی خود را به‌عنوان سؤال جامعه مطرح می‌کردند، چه اتفاقی در آمریکا می‌افتاد؟ باید بدانیم بخشی از این ناامیدی و بی‌اعتمادی که مردم دچارش شده‌اند، ناشی از رفتار غیرحرفه‌ای رسانه‌هاست؛ برخی خبرنگارانی که روی موج احساسات مردم سوار می‌شوند و به‌جای کمک‌کردن به آنها، دست رنج نقطه درد می‌گذارند و فشار می‌دهند. جایی که باید مسئول را زیر سؤال برد، در لحظه سقوط یک هواپیمای یا دقایقی بعد از وقوع زلزله نیست؛ در آن لحظات این مردم هستند که اهمیت دارند، نه انتقام‌گیری‌های سیاسی یا موج‌سواری روی احساسات مردم داغ‌دیده.

www.sharghdaily.com